

ایسکانیوز از جایگاه مهارت در چرخه دانشگاه و بازار کار گزارش می دهد؛

کالجهای مهارتی؛ حلقه مفقوده فارغالتحصیلان

همزمان با قرن بیستویکم، چالشهای جدیدی پیش روی جوانان قرار می گیرد که نیاز به درک و انطباق با آن مهم است. یکی از مشکلاتی که این روزها نمایان شده است، تقاضای روزافزون دانشجویان فارغالتحصیل برای یافتن شغلی مناسب است. در این برهه، مهارت بیش از پیش مهم و کارآمد به نظر می رسد.

به گزارش گروه علم و فناوری ایسکانیوز، این روزها بحث معضلات اقتصادی بسیار داغ است؛ مبحثی که معضل بیکاری را در دل خود جای داده و جوانان به خصوص دانشجویان و فارغالتحصیلان دانشگاهی را به شدت دچار نگرانی می کند.

بیکاری قشر فارغالتحصیل، اثرات مخربی بر خود شخص و جامعه ای که در آن زندگی می کند می گذارد؛ تا جایی که اعتیاد، فقر، طلاق و گوشه نشینی در جاهایی که بیکاری بیشتری دارند، بالاتر است. مسئله بیکاری تا جایی مهم و پراهمیت است که بسیاری از دولت ها آن را به عنوان اولویت خود در تبلیغات انتخاباتی مطرح می کنند.

جامعه امروزی با سیل متقاضیان فارغالتحصیل جویای کار مواجه است، درحالی که هیچ مدیریتی برای کنترل آن وجود ندارد. دو علت عمده می تواند این مشکل را به وجود آورد؛ عدم تناسب نیاز بازار با رشته های دانشگاهی و عدم مهارت.

مهارت موضوعی است که شاید این روزها کمتر دانشجویی به طور جدی در دانشگاه آموخته باشد. در واقع باید جدای از بحث های تئوری، چیزی به عنوان تجربه عملی نیز به دانشجو آموزش داده شود تا به این ترتیب کارفرمایان هنگام مواجهه با یک فارغالتحصیل در واقع با نیروی کار کارآمد مهارتی و حرفه ای روبرو باشند.

بحث های مهارتی بسیار مهم به نظر می رسند و زمانی که فردی با مهارت بالا وارد بازار کار شود هم راحت تر جذب خواهد شد و هم به پیشرفت جامعه خود کمک شایانی خواهد کرد.

با توجه به مشکلات پس پرده بیکاری و اهمیتی که در زمینه مهارت آموزی حس می شود گروه علم و فناوری ایسکانیوز، سعی بر بررسی مدارس مهارتی و نظرات کارشناسان در این زمینه و روشن کردن اهمیت وجود این موضوع دارد.

مهارت، عامل جدانشدنی کارایی

در این بین مدارس مهارتی وجود دارند که برای ایجاد این قابلیت به دانشجویانی که دارای مدرک دانشگاهی هستند، با برگزاری آزمون ورودی تلاش می کنند. بحث مهارت شاید موردی کیفی باشد و نتوان با اندازه گیری دقیق، میزان مهارت یک شخص را مشخص کرد؛ اما

معمولا کسی را یک فرد ماهر می خوانند که هم آموخته‌های تئوری و هم تجربه بازار کار و حضور در برهه‌های مختلف را داشته باشد.

از آنجایی که مهارت‌ها بسیار متنوع و مختلف هستند، تعریفی از مهارت که بتوان در همه موارد آن را به کار برد مشکل خواهد بود. روانشناسی به نام ای.آر.گاتری (..) در سال ۱۹۵۲، مهارت را به صورتی تعریف کرده است که مشخصه‌های مهم آن را در برمی‌گیرد. به گفته او مهارت، قابلیت است که با اطمینان معین و صرف حداقل انرژی یا زمان کاری به نتیجه برسد.

همان‌طور که گزارش‌ها نشان می‌دهند بسیاری از فارغ‌التحصیلان در سراسر جهان بلافاصله پس از فارغ‌التحصیلی کار پیدا نمی‌کنند، حال چگونه فارغ‌التحصیلان آینده‌نگر می‌توانند این مشکل را از بین ببرند؟

مهارت‌های کارآفرینی عمومی بسیار مهم هستند؛ زیرا بازار کار به شدت رقابتی است و در صورت داشتن خبرگی، کارفرمایان کسانی را که قابلیت انعطاف و ابتکار عمل داشته باشند و این قابلیت را نیز قوت بخشند، انتخاب می‌کنند.

از طرفی دیگر در وضعیتی که هزینه‌های آموزشی رو به افزایش است، دانشجویان با دقت عمل بیشتری برای بازگشت سرمایه‌گذاری‌های خود انتخاب و برنامه‌ریزی می‌کنند و وجود چنین مدرسی می‌تواند نوعی اطمینان خاطر برای آن‌ها به وجود آورد. در همین راستا هم دولت و هم دانشجویان از دانشگاه‌ها انتظار دارند تا شرایط را بسیار بیشتر از گذشته برای آینده‌کاری آنها آماده کنند.

نگاه رو به جلوی دانشگاه‌های جهان به مهارت‌آموزی

در دانشگاه‌های کشورهای مختلفی چون آمریکا و تعدادی از کشورهای اروپایی در زمینه‌های تخصصی این مدارس مهارتی پایه‌گذاری شده‌اند و بسیاری از دانشگاه‌ها دارای این گونه نهادها هستند و لزوماً یک نهاد جداگانه نیستند. این مدارس با عنوان در ایالات متحده و سایر نقاط (به عنوان مثال کانادا) مطرح می‌شوند و در کشورهای دیگری چون استرالیا، ایرلند، هند، بنگلادش، نیوزیلند، پاکستان و بریتانیا از واژه استفاده می‌شود.

گزارش سال ۲۰۱۷ نشان می‌دهد که یک فرد برای تغییر وضعیت از تحصیلات تمام وقت به شغل تمام وقت حداقل به ۴.۷ سال زمان نیاز دارد. در حالی که موانع یافتن اشتغال تمام‌وقت ممکن است بین کشورها متفاوت باشد. این گزارش نشان داد که مواردی مانند کمبود تجربه کاری که با آموخته‌های تئوری همراه باشد؛ عدم وجود سیستم‌های آموزشی که بتواند نیازها را به گونه‌ای مناسب به دانشجو آموزش دهد؛ نبود مدیریت تا دانشجو در محیط مهارت‌ها را به گونه‌ای حرفه‌ای آموزش ببیند و کمبود اشتغال، مانعی برای یافتن کار تمام وقت در استرالیا هستند.

مؤسسه جهانی مک کنزی، طی گزارش خود مجموعه مهارت‌هایی را برای کارگران سال ۲۰۳۰ ذکر کرد که شامل این سه مورد می‌شوند: مهارت‌های شناختی بالاتر (مثلاً سواد آموزشی و نوشتن پیشرفته، مهارت‌های کمی و آماری، تفکر انتقادی و پردازش اطلاعات پیچیده)، مهارت‌های اجتماعی و عاطفی (مثلاً ارتباطات پیشرفته و مذاکره، مهارت‌های فردی و همدلی، رهبری و مدیریت دیگران و غیره) و مهارت‌های فنی (به عنوان مثال مهارت‌های دیجیتالی، مهارت‌های پیشرفته و برنامه‌نویسی، تجزیه و تحلیل داده‌های پیشرفته و مهارت‌های محاسباتی و غیره).

رشد هوش با مهارت‌اندوزی

در همین راستا نظرات کارشناسان بر این است که هدف از مدارس مهارتی، توسعه مهارت در یک موضوع علمی خاص است. مدیران و استادان مدرسه مهارتی می‌گویند از آنجایی که دانشجویان مهارتی معمولاً مدرک کارشناسی دارند، انتظار می‌رود برای آنها استاندارد دانشگاهی بالاتر از کسانی که در کالج تحصیل می‌کنند، برآورده شود.

در مقایسه با دانشجویان دوره کارشناسی که نیاز به انجام دوره‌های مختلف در رشته‌های دانشگاهی دارند، دانشجویان مهارتی می‌توانند تمام وقت برای مطالعه یک موضوع خاص تمرکز کنند.

به همین ترتیب، تامارا آندریین رئیس دانشکده دانشگاه ایالتی آریزونا در امور تحصیلی (کالج مهارتی) بر این عقیده است که انتظار می‌رود دانشجویان فارغ‌التحصیل نه تنها اطلاعات را جذب و دانش به دست آورند؛ بلکه تحقیقات خاص و اکتشافات منحصر به فرد خود را تولید کنند تا بتوانند بورس تحصیلی مناسبی را دریافت نمایند. بنابراین همین نشان دادن مهارت می‌تواند علاوه بر مزیت‌های کاربردی از جنبه‌هایی چون اخذ بورس تحصیلی نیز مفید واقع شود.

در واقع افراد در دانشگاه دانش را به دست می‌آورند و همین‌طور که در سطح تحصیلات عالی پیشرفت می‌کنند، به تولیدکننده دانش تبدیل می‌شوند. این احساسی است که همراه با وارد کردن تجربه، باعث رشد هوش افراد می‌شود.

پیل گاردنر، مدیر مرکز اشتغال دولتی ایالت میشیگان به این نکته اذعان دارد که سه پیشرفت اولیه در بازار کار باعث شده جوانان نسبت به نسل‌های قبلی با سختی‌هایی برای کار روبرو شوند. این موارد شامل تغییر در اندازه و آرایش شرکت‌های استخدامی که در دانشگاه‌ها فعالند و فرآیند استخدام را تغییر داده‌اند؛ تمرکز نکردن کارفرمایان به افزایش مهارت کارکنان و تمرکز بر آموزش آنان و افزایش سرعت اقتصادی است.

برای رسیدن از بحث‌های تئوری به موارد عملی، ایجاد مهارت‌های سازمانی در آموزش (مهارت‌های قابل انتقال مانند حل مسئله، ارتباط و کارگروهی)، انتخاب کارمند با تمرکز قوی بر آینده و یک ذهن خوش‌بین می‌تواند به شدت بر فرصت‌هایی که یک جوان درک می‌کند، تاثیر گذارد.

نتیجه‌گیری

باتوجه به موارد مطرح شده و گفته‌های کارشناسان، مدارس مهارتی طراحی شده‌اند تا دانشجویان بتوانند نسبت به کالج، شیرجه‌هایی عمیق‌تر را به یک موضوع علمی بزنند و به این ترتیب با کسب دانشی عمیق در کنار کار مهارتی، با دستی پر و به عنوان فردی زبده وارد بازار کار شوند. از طرفی دیگر وجود مدارس مهارتی و تربیت نیروی کارآفرین و کارآزموده در فضای دانشگاه منجر به جذب حداکثری

دانشجو نیز می‌شود. در شرایطی که متأسفانه بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با تحصیلات عالی امکان ورود به بازار کار را ندارند، قطعاً آموزش مهارت‌های مختلف، نویدی است برای تربیت نیروهای کارآمد که بعد از فارغ‌التحصیلی بتوانند وارد بازار کار شوند.

با توجه به واقعیات موجود، کارفرمایان از فارغ‌التحصیلان انتظار دارند تا از تخصص‌های خاصی برخوردار باشند که خارج از محدوده رشته و زمینه‌ای است که در آن تحصیل کرده‌اند. در واقع می‌توان گفت که داشتن تحصیلات عالی برای اکثر کارفرمایان از کمترین اهمیت ممکن برخوردار است و به جای آن اهمیت واقعی برای آنها، در داشتن مهارت‌های عمومی است که به اقتضای کار به آنها احتیاج دارند.

تربیت فارغ‌التحصیلانی که قابل‌استخدام باشند، بخشی از پروسه تعلیم و تربیت است و این روند طیف وسیعی از ارزش‌ها مانند اعطای دانش، دانستن این که چگونه ویژگی‌ها و مهارت‌های خود را گسترش دهند را شامل می‌شود.

در این راستا دانشگاه آزاد اسلامی نیز در دوره محمد مهدی طهرانچی، ریاست جدید این دانشگاه، حرکت نوینی را در راستای ایجاد مهارت‌آموزی برای دانشجویان خود آغاز کرده و پرچمدار تحول در توسعه مهارت‌آموزی در دانشگاه‌ها شده است. البته دانشگاه آزاد به دلیل برخورداری از مدارس سما در کنار واحدهای دانشگاهی سراسر کشور مهارت‌آموزی در مدارس را از پایه‌های بنیادین آغاز کرده تا جایی که ریاست سازمان سما به عنوان معاون آموزش‌های عمومی و مهارتی دانشگاه آزاد نیز تعیین شده است.

انتهای پیام /